



The Role of Civil Society in Expanding Political Participation and Democracy in Rentier States

Davood Mohebbi Anjdani ¹, Milad Kashi Komijani ², Alireza Mousavi Sheikhlari ³

1. Assistant Professor, Department of Public Law, Faculty of Law, University of Qom. Email: D. Mohebbi@qom.ac.ir
2. M.A. Student in Public Law, Faculty of Law, University of Qom, Iran (Corresponding Author), Email: M. Kashi@stu.qom.ac.ir.
3. M.A. Student in Public Law, Faculty of Law, University of Qom, Iran. Email: Alireza. Mousavi@stu.qom.ac.ir.

Abstract

Civil society, as one of the main pillars of democracy, plays a fundamental role in expanding political participation and creating transparency in rentier states. In rentier states, the state's dependence on natural resources such as oil and gas reduces the need for public accountability and public participation, which leads to the concentration of power, the spread of corruption, and a decrease in transparency. However, civil society can strengthen political participation and democratic processes by strengthening political awareness, supporting citizen rights, monitoring government performance, and creating a space for dialogue. This study examines the challenges of civil society in rentier states, including legal restrictions, repression of civil activists, lack of independent institutions, and economic dependence of the people on the government, and also considers the opportunities available to strengthen the role of civil society. This study, with a descriptive-analytical approach, seeks to answer the fundamental question of what role does civil society play in political participation and democracy in rentier states? This research emphasizes that rentier governments, by earning income from natural resources and gifts, imagine themselves as not needing citizen participation in various areas of governance, including politics, economics, culture, etc. ; and they take steps to reduce accountability to citizens and lack a sense of need for their participation, which ultimately leads to citizens distancing themselves from participating in determining their own destiny, weakening democracy, and the rise of governments with totalitarian government structures that pay little attention to the relationship between citizens and the government, creating serious challenges in society.

Keywords: Civil society; Democracy; Political Participation; Rentier state; Citizenship Rights.

Received: 07/03/2025; **Revised:** 06/08/2025; **Accepted:** 02/09/2025; **Published online:** 21/09/2025

How To Cite: Mohebbi Anjdani, D, Kashi Komijani, M & Mousavi Sheikhlari, A (2025). The Role of Civil Society in Expanding Political Participation and Democracy in Rentier States, *Journal of Comparative Public Law*, 2 (2).71-95. <http://www.doi.org/10.22091/cpl.2025.12511.1052>

Published by: University of Qom © **The Author(s)** **Article type:** Research





نقش جامعه مدنی در گسترش مشارکت سیاسی و دموکراسی در دولت‌های رانتیر

داوود محبی انجدانی^۱، میلاد کاشی‌کمبجانی^۲، سید علیرضا موسوی‌شیخ‌لار^۳

۱. استادیار گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران، رایانامه: D. mohebbi@qom.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه قم، قم، ایران، (نویسنده مسئول)، رایانامه: M. Kashi@stu.qom.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه قم، قم، ایران، رایانامه: Alireza. mousavi@stu.qom.ac.ir

چکیده

جامعه مدنی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی دموکراسی، نقشی اساسی در گسترش مشارکت سیاسی و ایجاد شفافیت در دولت‌های رانتیر ایفا می‌کند. در دولت‌های رانتیر، وابستگی دولت به منابع طبیعی مانند نفت و گاز، نیاز به پاسخگویی به مردم و مشارکت عمومی را کاهش می‌دهد و این مسئله به تمرکز قدرت و گسترش فساد و کاهش شفافیت منجر می‌شود. با این حال، جامعه مدنی می‌تواند با تقویت آگاهی سیاسی، حمایت از حقوق شهروندی، نظارت بر عملکرد دولت و ایجاد فضای گفت‌وگو، مشارکت سیاسی و فرایندهای دموکراتیک را تقویت کند. این پژوهش به بررسی چالش‌های جامعه مدنی در کشورهای رانتیر، از جمله محدودیت‌های قانونی، سرکوب فعالان مدنی، نبود نهادهای مستقل و وابستگی اقتصادی مردم به دولت می‌پردازد و همچنین فرصت‌های موجود برای تقویت نقش جامعه مدنی را مورد توجه قرار می‌دهد. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ دادن به این پرسش اساسی است که جامعه مدنی چه نقشی بر مشارکت سیاسی و دموکراسی در دولت‌های رانتیر دارد؟ این پژوهش بر این نکته تأکید دارد که دولت‌های رانتیر به موجب کسب درآمدهای حاصله از منابع و مواهب طبیعی خود را بی‌نیاز مشارکت شهروندان در ساحت‌های مختلف حاکمیتی از جمله سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... تصور می‌کند و در جهت کاهش پاسخگویی به شهروندان و عدم احساس نیاز به مشارکت آن‌ها قدم برمی‌دارند که در نهایت این امر موجب فاصله گرفتن شهروندان از مشارکت در تعیین سرنوشت خویش، نحیف شدن دموکراسی و روی کار آمدن دولت‌هایی با ساختار دولت‌های تمامیت‌خواه و کم‌توجهی به رابطه بین شهروندان و دولت و ایجاد چالش‌های جدی در جامعه می‌شوند.

واژگان کلیدی: جامعه مدنی، دموکراسی، مشارکت سیاسی، دولت رانتیر، حقوق شهروندی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۷؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۵/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۱؛ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰
استناد: محبی‌انجدانی، داوود و کاشی‌کمبجانی، میلاد؛ موسوی‌شیخ‌لار، سید علیرضا (۱۴۰۴). نقش جامعه مدنی در گسترش مشارکت سیاسی و دموکراسی در دولت‌های رانتیر، *حقوق عمومی تطبیقی*، ۲(۲)، ۹۵-۷۱. <http://www.doi.org/10.22091/cpl.2025.12511.1052>



مقدمه

در دهه‌های اخیر، مفهوم جامعه مدنی و نقش آن در فرایندهای دموکراتیک به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه محققان و سیاست‌گذاران قرار گرفته است. جامعه مدنی به‌عنوان مجموعه‌ای از نهادها، سازمان‌ها و انجمن‌های مستقل از دولت، نقش بسزایی در ایجاد بسترهای لازم برای مشارکت سیاسی، نظارت بر عملکرد دولت و ترویج شفافیت دارد. با این حال، در کشورهای رانتیر که دولت‌ها از طریق درآمدهای عظیم منابع طبیعی مانند نفت و گاز تأمین مالی می‌شوند، جامعه مدنی با چالش‌های متعددی روبه‌رو است. در این کشورها، وابستگی اندک دولت به مالیات مردم، منجر به کاهش پاسخگویی و شفافیت شده و فضای مناسبی برای فساد، تمرکز قدرت و سرکوب مطالبات مدنی فراهم می‌کند.

دولت‌های رانتیر به دلیل استقلال مالی ناشی از درآمدهای غیرمالیاتی، اغلب تمایل کمتری به پذیرش نظارت‌های مدنی و پاسخگویی دارند. این استقلال اقتصادی دولت‌ها از مردم، موجب می‌شود که جامعه مدنی به سختی بتواند نقش خود را در ترویج دموکراسی و مشارکت سیاسی ایفا کند. در این شرایط، جامعه مدنی با محدودیت‌های فراوانی مواجه می‌شود و فعالیت آن برای گسترش مشارکت سیاسی و دموکراتیزاسیون دشوارتر می‌شود. این محدودیت‌ها شامل نظارت شدید بر سازمان‌های غیردولتی، سانسور رسانه‌ها، سرکوب فعالان سیاسی و اجتماعی و تضعیف نهادهای نظارتی مستقل است. در چنین ساختارهایی، جامعه مدنی به‌عنوان نیرویی که می‌تواند به افزایش آگاهی سیاسی، تقویت حقوق شهروندی و گسترش فضای عمومی برای گفت‌وگو و تبادل نظر بپردازد، با موانع زیادی از جمله سرکوب‌های دولتی، محدودیت‌های قانونی و عدم دسترسی به منابع مالی کافی مواجه است (سلطانی، ۱۳۹۱: ۹۶).

این مقاله به بررسی نقش جامعه مدنی در گسترش مشارکت سیاسی و دموکراسی در دولت‌های رانتیر می‌پردازد. در این راستا، ابتدا ماهیت و ویژگی‌های دولت‌های رانتیر مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس نقش جامعه مدنی در ایجاد بسترهای دموکراتیک، افزایش آگاهی عمومی و پیگیری شفافیت و پاسخگویی در چنین کشورهایی تحلیل می‌شود. همچنین، به چالش‌ها و موانعی که جامعه مدنی در این کشورها با آن‌ها روبه‌رو است، پرداخته و راهکارهایی برای توانمندسازی و ارتقای نقش آن در فرایند دموکراتیزاسیون ارائه می‌شود. این مطالعه با بهره‌گیری از نمونه‌های عملی و بررسی‌های نظری، به دنبال روشن‌سازی اهمیت جامعه مدنی به‌عنوان عاملی مؤثر در حرکت به‌سوی دموکراسی و تقویت مشارکت سیاسی در دولت‌های رانتیر است.

پرسش اصلی و عمده پژوهش عبارت است از اینکه آیا در دولت‌های رانتیر امکان مشارکت سیاسی وجود دارد؟ و دموکراسی به‌طور کامل شکل می‌گیرد؟ فرضیه‌ای که در این پژوهش و در جواب پرسش فوق بیان می‌شود این

است که به نظر می‌رسد مشارکت سیاسی در دولت‌های رانتیر با چالش‌های بسیار جدی روبه‌رو است و این دولت‌ها در بیشتر موارد مانع مشارکت سیاسی شهروندان در جامعه می‌شوند و فاصله معناداری با فربه شدن این دولت‌ها و مشارکت سیاسی شهروندان و به محاق رفتن دموکراسی و ایجاد شکاف بین دولت‌ها و مردم آن جامعه وجود دارد و خروجی چنین دولت‌هایی یک دولت تمامیت‌خواه خواهد بود.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی به شکل‌های مختلفی تعریف شده است، اما تعریف رابرت دال در این زمینه چنین است: «مشارکت سیاسی را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اعمال تعریف کرد که شهروندان به وسیله آن اعمال، در جستجوی نفوذ یا حمایت از حکومت یا سیاست خاصی هستند» (رابرت دال، ۱۴۰۰: ۲۹). این تعریف جنبه عام دارد و مشارکت را فراتر از رقابت و نفوذ می‌داند. مشارکت سیاسی عبارت است از میزان بهره‌مندی افراد جامعه از حق خود، برای دخالت در مسائل و تصمیم‌گیری‌های سیاسی که این میزان برای افراد مختلف متفاوت است.

مشارکت سیاسی به‌منزله یکی از مؤلفه‌های دموکراسی را می‌توان فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی دانست. مشارکت سیاسی را می‌توان درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از درگیری نداشتن تا داشتن مقام رسمی سیاسی دانست (راش، ۱۳۸۱: ۱۲۳). لستر میلبراث، سلسله‌مراتبی از مشارکت سیاسی را مطرح کرده است که از درگیر نشدن در سیاست تا داشتن مقام سیاسی یا اداری تغییر می‌کند و پایین‌ترین سطح مشارکت واقعی، رأی دادن در انتخابات است؛ درواقع، رأی دادن از منظر تعداد افراد درگیر در فرایند مشارکت سیاسی، پرشمار و از نظر کیفیت مشارکت، در سطح حداقلی قرار می‌گیرد (عبداللهی نژاد و دیگران، ۱۳۹۵). مشارکت ارتباط دوسویه میان نظام سیاسی و جامعه را فراهم می‌کند. در این بستر مردم مشارکت‌کننده صرف نیستند؛ بلکه با انتخاب مسئولان سیاسی در تصمیم‌گیری‌ها دخالت می‌کنند و با اعمال نظارت خود به اشکال مختلف احساس نزدیکی بین خود و هیئت حاکمه را به وجود می‌آورند.

صرف حضور در فضای سیاسی خالی از هزینه و منفعت نخواهد بود. مردم بر اساس رفتار عقلانی، تصمیم می‌گیرند کنش سیاسی داشته باشند یا نداشته باشند. رهیافت‌گزینش عقلانی به فعالیت سیاسی با فرض عقلانیت آغاز می‌شود. شهروندان از طریق محاسبه دقیق سود و زیان، تصمیم به کنش سیاسی می‌گیرند. آن‌ها حداکثر تلاش خود را می‌کنند تا در هر موقعیتی، با یک چشم به منافعی که از کنش سیاسی عایدشان می‌شود

و با چشمی دیگر، به زیان‌هایی که این کنش در بردارد، نگاه و آن‌ها را با هم تراز کنند و بر مبنای اصل عقلانیت، اقدام به کنش داشتن یا کنش نداشتن می‌کنند؛ بر این اساس، مردم بار رأی دادن را بر دوش نخواهند کشید، مگر فایده‌مورد انتظار بر هزینه‌های آن فزونی نگیرد (سرداری، ۱۳۹۲: ۸).

در انتخاب عقلانی فرض بر این است که انسان‌ها عقلانی رفتار می‌کنند و کنش آن‌ها مبتنی بر شناختی است که در شرایط خاص از مؤثرترین وسایل برای رسیدن به اهداف خود دارند. در رویکرد انتخاب عقلانی افراد با توجه به مجموعه‌ای از کنش‌های بالقوه، کنشی را برمی‌گزینند که برای آن‌ها بهترین نتیجه را در برداشته باشد. بر اساس این رویکرد، افرادی که قصد حضور در فضای سیاسی را دارند با در پیش گرفتن رویکردی عقلانی در پی به حداکثر رساندن سود و حداقل کردن هزینه‌ها هستند؛ تا جایی که آنتونی داونز، مهم‌ترین نظریه‌پرداز مکتب انتخاب عاقلانه، معتقد است در حوزه سیاست، هرگونه رفتار سیاسی حاصل تصمیم فردی بازیگری است که به‌طور عاقلانه از میان گزینه‌های مختلفی که در یک وضعیت خاص پیش روی اوست، گزینه‌ای را انتخاب کند که به بهترین شکل اهداف او را تأمین می‌کند (سید امامی، ۱۳۸۶: ۹).

۲-۱. دولت رانتیر

حکومت رانتیر دولتی است که قسمت عمده درآمد خود را از منابع خارجی و به شکل رانت دریافت می‌کند. به عبارت دیگر دولتی رانتیر است که به دلایل ویژه‌ای از فروش کالاها و خدمات با قیمت‌های بسیار بالاتر از هزینه تولید آن‌ها درآمد مستقیمی داشته باشد. به اعتقاد مهدوی، ویژگی متمایز کننده حکومت رانتیر این است که درآمدهای نفتی حاصل از تولیدات و صادرات نفت در آن ارتباط بسیار ناچیزی با فرایندهای تولید در اقتصاد داخلی آن داشته باشد. به عبارت دیگر داده‌های اقتصاد داخلی به غیر از مواد خام اهمیت چندانی ندارد، برخی اندیشمندان ملاک و معیار کمی برای تمیز حکومت رانتیر و سایر دولت‌ها قائل شده‌اند و هر دولتی را که ۴۲ درصد یا بیشتر از کل درآمد آن از رانت خارجی باشد، حکومت رانتیر نامیده‌اند.

ماهیت دولت رانتیر به‌گونه‌ای است که در آن بازار و جامعه وزنه‌ای قابل اعتنا به شمار نمی‌روند، چراکه دولت به کنش‌ها، درآمدها، رضایت و اعتماد شهروندان وابستگی ندارد. چون منبع رانتی که در دست دارد جایگزین مالیات، عوارض، درآمد گمرکی، تولید و تجارت شده است. دولت رانتیر لزومی نمی‌بیند تا سرمایه اجتماعی خود را بهبود بخشد، شهروندان را وارد قدرت کند و از حمایت‌های مادی و معنوی آنان نصیب ببرد (غفار زاد، ۱۴۰۱: ۸). این موضوع به مانعی برای تعمیق دموکراسی و نقش‌آفرینی شهروندان در سیاست‌گذاری‌ها تبدیل می‌شود. وجود درآمدهای حاصل از منبع رانت در چنین کشورهایی سبب می‌شود تا اکثر نیروهای فعال جامعه که در شرایط عادی توان کار، نوآوری، درآمدزایی، هم‌افزایی، همکاری و کارآفرینی دارند، به جای تمرکز بر

دسترنج خود، جذب فضای رانتی و فسادآلود جامعه که از ساختار درآمدی دولت پدید آمده شوند و تلاش کنند تا با دیگر نیروها وارد رقابتی مخرب و فرسایشی شوند تا هر چه بیشتر از سفره حاصل از این رانت بهره ببرند و دست دیگر نیروها را از آن کوتاه کنند. این رقابت منفی و واگیردار است و تا پایین‌ترین سطوح جامعه سرایت می‌کند.

درآمدهای کلان حاصل از منابع طبیعی یا کمک‌های خارجی معمولاً در دست دولت مرکزی متمرکز می‌شود. این تمرکز منابع در دولت، امکان دسترسی به ثروت را برای طبقات یا گروه‌های حاکم فراهم می‌کند و به آن‌ها اجازه می‌دهد که با توزیع این منابع، وفاداری گروه‌ها و بخش‌های مختلف جامعه را جلب کنند. این تمرکز قدرت و ثروت، راه را برای سوءاستفاده‌های مالی و سیاسی هموار می‌کند (Zhang, 2014: 13). دولت‌های رانتیر به دلیل اینکه نیازی به مالیات و مشارکت اقتصادی مردم ندارند، اغلب از مشارکت‌های سیاسی و فشارهای جامعه مدنی دوری می‌کنند. آن‌ها تلاش می‌کنند تا نهادهای مستقل و جامعه مدنی را سرکوب کنند، چراکه این نهادها می‌توانند برای مطالبات اجتماعی و کنترل بر منابع دولتی خواستار شفافیت و حسابرسی شوند. این وضعیت باعث می‌شود که نهادهای مدنی در دولت‌های رانتیر ضعیف و کم‌قدرت باشند (سریع‌القلم، ۱۳۸۷: ۴۳).

به دلیل نبود نیاز به مالیات و مشارکت اقتصادی مردم، مشروعیت دولت‌های رانتیر کمتر به عملکردهای دموکراتیک متکی است و بیشتر بر منابع مالی حاصل از رانت استوار است. این امر باعث می‌شود که دولت‌های رانتیر به جای مشروعیت مردمی، به مشروعیت مالی و کنترل بر منابع طبیعی وابسته باشند. این وضعیت معمولاً باعث می‌شود که دولت‌ها به جای تکیه بر رضایت مردم، به سرکوب مخالفان و کاهش آزادی‌های سیاسی و اجتماعی تمایل داشته باشند.

۲. آثار رانت بر بافت دولت

ماهیت دولت رانتیر به گونه‌ای است که در آن جامعه نادیده گرفته می‌شود، چراکه دولت در سایه دریافت رانت‌ها از خارج (نفت یا هر ماده خام دیگر) دیگر به منابع داخلی درآمد (مالیات‌ها، عوارض و صدور کالاهای صنعتی و...) احساس نیاز نمی‌کند. یکی از نتایج مهم استقلال که به نوبه خود باعث می‌شود دولت قدرت انحصاری کسب کند و نیازی به دخالت دادن گروه‌ها و طبقات مختلف در قدرت نبیند.

وابستگی زیاد یک دولت به رانت باعث کاهش فشار مالی دولت بر جامعه می‌شود، زیرا دولت هیچ‌گونه مالیاتی از جامعه دریافت نمی‌کند یا اگر مالیات اخذ می‌کند مقدار آن ناچیز است. در چنین شرایطی دولت به علت عدم دریافت مالیات از جامعه نیازی به ایجاد و تزریق دموکراسی به جامعه نمی‌بیند با تمرکز قدرت در دست دولت امکان توسعه سیاسی و باز شدن فضای رقابت میان گروه‌های اجتماعی بر سر کسب قدرت و نهایتاً توسعه سیاسی

و استقرار دموکراسی از جامعه سلب می‌شود. همچنین در شرایطی که منابع عمده قدرت در دست دولت متمرکز می‌شود و گروه‌های اجتماعی عملاً از انرژی لازم برای ایجاد چالش و مطالبه در مقابل دولت برخوردار نیستند. سازوکار نظارت اجتماعی از جانب جامعه و پاسخگویی از جانب دولت دچار اختلال می‌شود، در چنین موقعیتی امکان استقرار نهادها بر رویه‌های دموکراتیک در زمینه اداره امور فراهم نخواهد شد (میرترابی، سعید ۱۳۸۴: ۱۲). در ادبیات سیاسی به‌ویژه در چهارچوب نظریات مبتنی بر کارکردگرایی نظام سیاسی به‌عنوان یکی از خرده نظام‌های اجتماعی کارویژه‌های خاصی را بر عهده دارد که از جمله آن‌ها کارویژه استخراج منابع از داخل جامعه و توزیع مجدد آن‌هاست. بحث استخراج هم منابع مادی همچون مالیات و هم منابع انسانی همچون به‌کارگیری مهارت‌ها و توانایی‌های گروه‌های اجتماعی را مد نظر قرار می‌دهد. بر اساس این تحلیل یکی از معیارهای عمده سنجش میزان کارایی یک نظام سیاسی بررسی توان استخراجی و توزیع مجدد منابع در داخل جامعه است (توحید فام، ۱۳۸۲: ۱۲).

دولت‌های رانتیر نه تنها در زمینه توان پاسخگویی به جامعه ضعیف هستند، بلکه در خصوص استخراج و بازتوزیع صحیح منابع در داخل نیز ناکارآمدند. این ضعف در عرصه سیاسی رویه‌های دموکراتیک اداره امور را مختل می‌کند در عرصه اجتماعی به نابرابری‌های اجتماعی دامن می‌زند و در عرصه اقتصادی نیز سبب پیگیری سیاست‌های اقتصادی غیر کارآمد توسط دولت خواهد شد. دولت در چنین حالتی سیاسی‌ترین نقش را در توزیع ثروت در میان مردم ایفا می‌کند. این دولت همان دولت تخصیصی است که نظریه پردازان به علت اهمیت ویژگی توزیعی این گونه دولت‌ها به آن‌ها دولت‌های تخصیصی می‌گویند و آن را در مقابل دولت‌های تولیدی قرار می‌دهند در چنین حالتی کل نظام سیاسی و اجتماعی به میزان و چگونگی تخصیص هزینه‌های دولت وابستگی پیدا می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۱۲).

۳. پیامد رانتیرسم بر روابط دولت و جامعه

تأثیر رانتیرسم بر روابط دولت و جامعه را می‌توان به دو صورت عمده مشاهده کرد. دگرگونی در قشر بندی اجتماعی و دیگری تغییر شکل تقابل دولت و جامعه:

الف. دگرگونی در قشر بندی اجتماعی: دولت‌های رانتیر اساساً رانت را به شیوه نابرابری در سطح جامعه توزیع می‌کنند. در یک جامعه با ساختار رانتیر افراد کم و بیش از مزایای ناشی از رانت بهره‌مند می‌شوند، اما میزان بهره‌مندی افراد از این رانت به شدت متفاوت است. دولت رانتیر اساساً از رانت به‌عنوان ابزاری برای کسب رضایت افراد جامعه و بالا بردن مشروعیت خود استفاده می‌کند. یک دولت توزیع کننده رانت برخلاف دولت متکی به مالیات که باید انرژی فراوانی را برای استخراج درآمدهای مورد نیازش صرف کند، صرفاً باید تصمیم بگیرد که

کدام یک از گروه‌های اجتماعی در دریافت رانت‌های نفتی برتری دارند (کاتوزیان، ۱۳۹۸: ۱۴۸). بر این اساس درآمدهای نفتی این امکان را به دولت می‌دهد که اتفاق نظر سیاسی را به سود خود خریداری نماید.

ب. **تضعیف ماهیت نمایندگی دولت:** یکی از نتایج در دسترس نظریه دولت رانتیرین است که از آنجا که رهبران دولت نیازی به استخراج منابع ندارند، ضرورتی احساس نمی‌کنند که به نمایندگی کردن از مردم بپردازند و وابستگی رو به افزایش دولت رانتیر به درآمد آرانت به این معنا است که از فشار مالی دولت بر جامعه کاسته شود؛ زیرا همان‌گونه که آمد دولت‌های رانتیر اساساً به درآمد مالیاتی به‌عنوان منبع اصلی تأمین هزینه خود توجهی ندارد. نظریه پردازان دولت رانتیر عقیده دارند در چنین شرایطی دولت در مقابل دریافت نکردن مالیات از جامعه به توافقی ضمنی با مردم دست می‌یابد که در چارچوب آن مردم دیگر انتظار ندارند تا دولتی منتخب و نماینده جامعه داشته باشند. به عبارت دیگر شعار عدم دریافت مالیات در مقابل عدم وجود نمایندگی به جزئی اساسی در ساختار رانتیرسم تبدیل می‌شود، چنین توافقی سبب تحکیم پایه‌های قدرت و سلطه هرچه بیشتر دولت رانتیر بر جامعه می‌شود (خانیک و خجیر، ۱۳۹۷: ۹).

ج. **به تحلیل رفتن جامعه مدنی و کاهش مشارکت‌های مردمی:** دولت رانتی موجب تضعیف جامعه مدنی و به تحلیل رفتن فرایند دولت-ملت‌سازی می‌شود. فرایند دولت-ملت‌سازی فرایندی است که در بطن آن عوامل و نهادهای اجتماعی سیاسی و اقتصادی در درون مرزهای سیاسی مشخص به‌گونه‌ای در روابط متقابل با یکدیگر رشد و تکامل می‌یابند که برآیند آن شکل‌گیری ساختار سیاسی دموکراتیک مبتنی بر نهادینه شدن اصول و ارزش‌های مدنی و حاکمیت مناسبات قانونی بین دولت و جامعه است (سلطانی، ۱۳۹۱: ۹۹). به همین دلیل نمونه‌هایی همچون مشارکت کمتر مردم در تصمیمات کاهش دموکراسی، دموکراسی نمایشی، بی‌اعتمادی به دولت، کاهش کیفیت قوانین و سیاست در اجرای آن‌ها، فرهنگ رانتی، کاهش پاسخگویی یا مسئولیت‌پذیری دولت، حامی پروری، کاهش تعهد کاری، احزاب ضعیف یا وابسته، خرید رأی، خرید مشروعیت، کاهش سرمایه اجتماعی، حقوق مالکیت ناکارآمد، آستانه بیش از حد اشتباه در دولت، تشکیل یا بقای رژیم‌های اقتدارگرا و توسعه سیاسی ضعیف از تأثیرات آن هستند.

د. **کنترل جامعه و ایجاد شکاف اجتماعی:** از نظر اندیشمندان سیاسی عامل ایجاد دولت‌های رانتیر در خاورمیانه نفت است رانت درآمد ناشی از اشتغال یا مالکیت یک حق نهادی است، بدون آنکه مالک برای دریافت این درآمد کمکی به تولید اجتماعی کرده باشد.

باید اذعان داشت درآمدی خارج از عرصه فعالیت‌های مولد اقتصادی است که به لحاظ مفهومی امکان سرایت به حوزه‌های دیگر را دارد و رانت جویی نیز عبارت است از جستجو برای دست یافتن به این درآمد مازاد (قاسمی، ۱۳۸۳: ۳۴). دولت رانتیر دولتی است که به جهت در اختیار داشتن منابع مستقل مالی و استقلال از شهروندان

سیاست‌های خود را به اجرا در می‌آورد، ناتوانی در پاسخگویی این دولت به مردم انحصار دریافت رانت و اختیار هزینه‌کرد آن از جمله ویژگی‌های دولت رانتیر است. نمونه‌های بارز دولت‌های رانتیر حاکمیت‌های قرن اخیر خاورمیانه است و از جمله ایران که خصوصاً از دهه ۴۰ با تأثیر منفی هرچه بیشتر اقدامات حاکمیت رانتیر بر اقتصاد و جامع شکاف میان دولت و جامعه مدنی و تبعاتی که همچنان ادامه دارد نمود بیشتری یافته است (کارل، ۱۳۸۱: ۴۲).

شیوه حکمرانی دولت‌های رانتیر شیوه متمایزی است که رانتیربسم نامیده می‌شود و دو مشخصه عمده آن، نخست آنکه رانت در کنترل نخبگان حاکم است و دوم اینکه نخبگان حاکم از این رانت برای جلب همکاری و کنترل جامعه استفاده می‌کنند تا در نتیجه ثبات سیاسی دولت را حفظ کنند. این تلاش دولت رانتیر جهت کنترل جامعه و ثبات سیاسی که در جهت حفظ خود است در بلندمدت نتیجه عکس داده و نهایتاً بی‌اعتمادی میان حاکمیت و شهروندان، تضعیف سازمان‌ها، جامعه مدنی، گرایش جامعه به خشونت و میل به تحول‌خواهی ثبات سیاسی موجودیت دولت را به خطر می‌اندازد. مهم‌ترین تأثیر رانت بر دولت موجب قدرت انحصاری دولت شده و بروز شکاف هرچه بیشتر میان مسیر حرکت دولت و شیوه مد نظر جامعه خود جدی‌ترین نقض دموکراسی محسوب می‌گردد (غفارزاد، ۱۴۰۱: ۱۲).

۴. دولت رانتیر و ایجاد طبقه جدید در این دولت‌ها

در کشورهای غربی طبقه متوسط طبقه‌ای است که مستقل از دولت و با فکر و فناوری و تجارت و کار گسترده اقتصادی، ثروت تولید می‌کند، البته طبقه متوسط در داخل خود چند طیف دارد؛ یعنی یک طیف بسیار ثروتمند در آن وجود دارد یک طیف نیز وجود دارد که در رده‌های پایین‌تر قرار می‌گیرد. بنابراین طبقه‌ای است که از طریق فکر و فناوری مبنای ارائه کالا و خدمات پیشرفته و تکنولوژی و صنعتی را به جامعه ارائه می‌دهد. در اواسط قرن ۱۹ این قشر در آمریکا شکل می‌گیرد، در اواخر قرن ۱۸ در انگلستان و آلمان شکل گرفته و به تدریج گسترش پیدا می‌کند و با رشد جمعیت و رشد بازارها فرصت برای گسترش ثروت از طریق این قشر ایجاد می‌شود (سریع القلم، ۱۳۸۷: ۳۸).

در کشورهای در حال توسعه دولت نقش اساسی در فرایند نوسازی رشد توسعه سرمایه‌داری ایفا کرده است. در این کشورها به دلایل مختلفی همچون ایجاد وحدت ملی و هویت ملی و تسریع روند توسعه اقتصادی اجباراً قدرتی اقتدارگرا پدید می‌آید که منابع اجبارآمیز و غیراجبارآمیز قدرت را در دست خود متمرکز می‌کند. مثلاً در ایران یکی از انگیزه‌های اساسی افزایش قدرت حکومت و تأسیس مبانی دولت مطلقه مدرن واکنش به ضرورت نوسازی بوده است. در غیاب گروه‌های نوساز و توسعه‌خواه نظیر بورژوازی ملی، طبقه متوسط جدید، احزاب مستقل، ضعف

مالکیت خصوصی، ضعف تاریخی طبقات و نیروهای اجتماعی، وابستگی طبقات به دولت و عدم وقوع تحولی ایدئولوژیک، تلاش برای نوسازی و اصلاحات به مفهوم عقلایی شدن دستگاه حکومتی نخستین بار از بالا صورت گرفت. لذا در تاریخ معاصر ایران دولت به خاطر ماهیت مستقل فرا طبقاتی اش هم از بابت خاستگاه و هم از نظر ماهیت و همچنین عملکرد اساس کاملاً متفاوتی نسبت به جوامع اروپایی دارد، با توجه به پویش تحولات سیاسی اجتماعی ایران معاصر به خصوص از زمان دستیابی به درآمدهای نفتی دولت در ایران به عنوان قدرتی برتر از طبقات در پویش خاص خود تکامل یافت. به تعبیری دیگر استقلال دولت نه در وضعیت رقابت نیروهای اجتماعی و توازن طبقاتی بلکه در بستری از ضعف کامل طبقات گروه‌های اجتماعی امکان بروز و ظهور یافت. در ایران دولت به لحاظ شکلی سخت قوی اما از نظر محتوا ضعیف فاقد کارکردهای لازم بوده است. از این رو نمی‌توان ساختار طبقاتی و اشکال تحصیل مازاد را بدون تصدیق نقش دولت به عنوان مالک وسایل تولید فهمید (محمدی‌فر و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۶).

۵. نقش احزاب سیاسی در مشرکت سیاسی

پذیرش احزاب و گروه‌های سیاسی و اعتقاد به نقش آن‌ها در مبارزه‌ی مسالمت‌آمیز کسب قدرت، می‌تواند زمینه ورود بازیگران جدید به سیاست را فراهم کرده و از چالش‌های مشارکتی جلوگیری نماید. در نظر حامیان اندیشه دینی سنتی، هدف، یکپارچگی و یکنواختی، عدم تشّت و پراکندگی و جمع شدن حول محور ولایت است و امام خمینی علیه السلام نیز همین الگو را مطلوب می‌دانستند. آنان مردم را دعوت به حبل الله می‌کنند و جامعه مدنی را از آن حیث که با تقویت احزاب سیاسی، باعث تفرقه و تشدید اختلافات می‌شود، با وحدت اسلامی مطلوب در اسلام منافی می‌دانند. همچنین، در جامعه مدنی بین افراد و گروه‌های جامعه برابری وجود دارد که این برابری مورد پذیرش نیست. اصل بر وحدت و اتحاد است و جامعه مدنی از آنجا که تنوع و تكثر ارزش‌ها و گروه‌ها را می‌پذیرد، نفی می‌شود. همچنین، احزاب سیاسی را که تجربه‌ی دموکراسی‌های غربی است، نمی‌پذیرند و به جای آن، تشکیل «هیئت‌های مذهبی» را پیشنهاد می‌کنند (دبیرنیا و دیگران، ۱۴۰۲: ۹).

از نظر طرفداران این دیدگاه، احزاب سیاسی دارای معایبی مانند قدرت‌طلبی و تلاش برای کسب قدرت سیاسی، سوءاستفاده از امکانات خارجی یا تبلیغات سوء، حمایت از کاندیدای حزب به جای کاندیدای اصلح و رقابت شدید، بوده و از این رو، ایدئال نیستند و به جای آن‌ها هیئت‌های مذهبی توصیه می‌شوند که صرفاً انگیزه‌های الهی دارند. محاسن و مزایای احزاب و جامعه مدنی، در نظر طرفداران گفتمان اصلاح‌طلبی، عبارت است از نظارت بر قدرت کارگزاران حکومتی، دفاع از حقوق مردم در برابر دولت از جمله دولت رانتیر، افزایش رشد و تمرین سیاسی مردم، شفاف شدن ترکیب سیاسی و فکری و ذهنی جامعه. این اختلاف دیدگاه‌ها در مشارکت نهادهای

مدنی، موجب بروز اختلافات عملی در عرصه عمومی می‌شود، زیرا برخی اهداف حزب سیاسی را قدرت طلبی و وجود احزاب را مایه تفرقه می‌دانند و برخی دیگر، قدرت طلبی احزاب را عین حقیقت و وجود آن‌ها را باعث تنوع و تکثر و پیشرفت محسوب می‌کنند. فقدان اجماع نظری پیرامون احزاب سیاسی در بین نیروهای انقلابی، باعث سردرگمی و اختلاف و در نتیجه، ایجاد بحران مشارکت می‌شود (ملکی، ۱۳۹۹: ۱۲).

۶. دولت‌های رانتیر و دموکراسی

مداخله گسترده دولت در اقتصاد به همراه ضرورت اتخاذ سیاست‌های اقتصادی که مشروعیت سیاسی شکننده را افزایش می‌دهد، موجب شده است اقدامات اقتصادی رانت‌جویانه در مقیاس وسیع در سراسر این کشورها اتخاذ شود، رانت‌گرایی دو پیامد کلی برای اقتصاد سیاسی این کشورها داشته است. نخست، توانایی جامعه را برای کسب خودمختاری از دولت کاهش داده و امکان «دموکراتیزه» شدن را از پایین تضعیف کرده است؛ دوم، رانت‌گرایی از امکان توسعه اقتصادی و صنعتی جلوگیری می‌کند و در عوض رفتارهای غیر مولدی را برای زنده نگه داشتن رانت‌گرایی تداوم می‌بخشد. رانت‌گرایی نتیجه کسب منافع زیاد از آن دسته فعالیت‌های اقتصادی است که به همان اندازه به بهره‌وری بالا نیاز ندارد (برند، ۱۹۹۲: ۱۶۸).

عناصر بارز این کشورها عبارت‌اند از: اقتصادهای ناکارآمد و وابسته، اختلافات شدید بین کشورهای منطقه در مقوله‌های مختلف، رشد اندک و انزوای نسبی هر یک از این عوامل در تشدید وخامت اوضاع اقتصادی در آن کشورها نقش بسزایی دارند. دخالت بیش از حد دولت در اقتصاد موجب سیاسی شدن اقتصاد آن کشورها و عدم کسب توسعه و رشد اقتصادی اجتماعی همگام با بسیاری از نقاط جهان شده است (Rister, 2012: 14). اقتصاد رانتی برخلاف اقتصاد دریافتی ممکن است زندگی مردم را تأمین کند و در عوض چیز زیادی مطالبه نکند یا اصلاً چیزی نخواهد. دسترسی به رانت نیاز دولت را به دریافت مالیات یا سایر منابع درآمد از جامعه کاهش می‌دهد (تیموتی، ۱۹۹۸: ۱۱). بیشتر دولت‌ها نتوانسته‌اند بر گیرندگان منافع رانتی انضباط برقرار کنند. در نتیجه، آن‌ها ناخواسته سبب ظهور پدیده‌ای شده‌اند که به بهترین شکل می‌توان آن را رانت‌جویی سرکش توصیف کرد. علل اساسی رانت‌گرایی سرکش ماهیت متزلزل مشروعیت سیاسی و ایدئولوژیک دولت و چگونگی تحقق دولت‌سازی و تحکیم سیاسی است (والدینر، ۱۹۹۹: ۱۹۸).

از بعد سیاسی و ویژگی حکومت‌ها و مناسبات حکمرانی، حکومت‌های سراسر این دولت‌ها مبتنی بر چهار ویژگی اساسی هستند که تقویت‌کننده یکدیگر و موجب اقتدارگرایی هستند. ۱. دولت خود را ضامن منافع ملی نشان می‌دهد؛ ۲. پاتریمونالیسم یعنی اینکه کشور ملک موروثی زمامدار است که از طریق «حفاظت» دولت از منافع ملی ماهیت شخصی پیدا می‌کند و گسترش آن به پایین از طریق لایه‌های متوالی و هم‌پوشاننده حامیان و موکلان

صورت می‌گیرد؛ ۳. مناسبات حکمرانی ارتباط تنگاتنگی با پاتریمونیالیسم دارد؛ یعنی اقتصاد سیاسی شرکت‌گرا که از طریق آن همکاری بخش خصوصی با دولت و برتری نهایی دولت تضمین می‌شود؛ ۴. اقتدارگرایی دولت که از آن طریق تبعیت کسانی تضمین می‌شود که مزایای سه جنبه دیگر معامله را زیر سؤال می‌برند. همچنین ضعف جامعه مدنی تداوم قدرت نهادهای دولتی و اهمیت اجتماعی آن‌ها، نبود فشارهای بین‌المللی برای دموکراتیزاسیون که تأثیر زیادی بر زوال حکومت‌های اقتدارگرا دارد، به همان میزان اهمیت دارد (کامروا، ۱۳۸۸: ۶۵).

۱-۶. ظرفیت‌سازی جامعه مدنی؛ پیش‌نیاز دموکراتیزاسیون

ظرفیت‌سازی جامعه مدنی، یکی از پیش‌نیازهای اساسی برای حرکت به سوی دموکراتیزاسیون، به‌ویژه در دولت‌های رانتیر است. جامعه مدنی به‌عنوان نهاد واسطه بین مردم و دولت، می‌تواند با ظرفیت‌سازی به تقویت نهادهای دموکراتیک و افزایش مشارکت سیاسی کمک کند. این امر می‌تواند به تغییر ساختارهای قدرت و توسعه فضای دموکراتیک در جامعه بیانجامد. ظرفیت‌سازی شامل توسعه و تقویت سازمان‌های غیردولتی (NGOs)، اتحادیه‌ها، انجمن‌ها و دیگر نهادهای مدنی است که می‌توانند در مطالبه‌گری، نظارت بر عملکرد دولت و حمایت از حقوق شهروندی نقش ایفا کنند. این نهادها از طریق آموزش نیروی انسانی، توسعه مدیریت و برنامه‌ریزی و گسترش شبکه‌ها می‌توانند تأثیر بیشتری بر فرآیندهای دموکراتیک داشته باشند. یکی از جنبه‌های مهم ظرفیت‌سازی، آموزش و تربیت رهبران و کنشگران مدنی است. این رهبران با کسب مهارت‌های رهبری، مذاکره و توانایی‌های لازم برای جلب مشارکت مردمی می‌توانند به پیشبرد برنامه‌ها و فعالیت‌های جامعه مدنی کمک کنند. رهبران آموزش‌دیده و توانمند قادر به ایجاد ائتلاف‌های اجتماعی و جلب توجه و مشارکت مردم برای ایجاد تغییرات دموکراتیک هستند (Shipley, 2012: 43).

ظرفیت‌سازی جامعه مدنی همچنین شامل ایجاد شبکه‌ها و ائتلاف‌های قوی بین گروه‌ها و نهادهای مختلف است. این شبکه‌ها می‌توانند در پیگیری اهداف مشترک، به اشتراک‌گذاری منابع و هماهنگی فعالیت‌ها مؤثر باشند. ائتلاف‌های گسترده در سطح محلی و ملی به جامعه مدنی کمک می‌کنند تا در برابر فشارها و سرکوب‌های احتمالی دولت‌های رانتیر مقاومت بیشتری داشته باشند و صدای مردم را در سطحی گسترده‌تر و متحدتر بیان کنند. یکی دیگر از اهداف ظرفیت‌سازی، توسعه ابزارهای نظارتی و ایجاد سازوکارهای پاسخگویی است. جامعه مدنی می‌تواند با ایجاد نهادهایی برای نظارت بر عملکرد دولت و شفاف‌سازی در خصوص سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، به شفافیت و کاهش فساد در دولت کمک کند. نظارت قوی بر منابع و بودجه‌های دولتی، به‌ویژه در دولت‌های رانتیر که با فساد مالی روبه‌رو هستند، می‌تواند یکی از ابزارهای مؤثر برای افزایش پاسخگویی

دولت‌ها باشد.

آموزش عمومی برای آگاهی‌بخشی به مردم درباره حقوق و وظایف خود نیز است. این آموزش‌ها می‌تواند شامل اصول دموکراسی، حقوق بشر و چگونگی مشارکت در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی باشد. مردم با آگاهی از حقوق خود می‌توانند بهتر در تصمیم‌گیری‌های جمعی و عمومی شرکت کنند و از حقوق خود دفاع کنند. رسانه‌ها به عنوان بخش مهمی از جامعه مدنی نقش برجسته‌ای در اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی دارند. حمایت از رسانه‌های مستقل و آزاد به عنوان ابزاری برای نظارت و گزارش‌دهی می‌تواند به جامعه مدنی کمک کند تا نهادهای قدرت را پاسخگو نگه دارد. رسانه‌های مستقل می‌توانند با افشای موارد فساد و ضعف‌های دولتی به توسعه فرهنگ شفافیت و پاسخگویی کمک کنند (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸: ۴۶).

ظرفیت‌سازی جامعه مدنی در دولت‌های رانتیر از طریق ارتباطات بین‌المللی و بهره‌مندی از حمایت‌های جهانی می‌تواند نقش مهمی در ارتقای دموکراسی داشته باشد. با ایجاد ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بشری، جامعه مدنی می‌تواند از حمایت‌های جهانی بهره‌مند شود و فشار بیشتری برای ایجاد تغییرات دموکراتیک به دولت‌ها وارد کند. ظرفیت‌سازی جامعه مدنی پیش‌نیاز اصلی برای دموکراتیزاسیون در دولت‌های رانتیر است. این فرآیند شامل توسعه نهادها، تربیت رهبران، ایجاد شبکه‌های همبستگی و تقویت ابزارهای نظارتی است. از طریق ظرفیت‌سازی، جامعه مدنی می‌تواند به افزایش آگاهی عمومی، حمایت از حقوق شهروندی و پیگیری شفافیت و پاسخگویی کمک کند (Rister, 2012: 19).

۲-۶. جامعه مدنی موتور محرکه دموکراسی در دولت‌های رانتیر

در دولت‌های رانتیر که بیشتر درآمدهای خود را از منابع طبیعی مانند نفت و گاز به دست می‌آورند، جامعه مدنی می‌تواند نقشی کلیدی و اساسی در بهبود وضعیت دموکراتیک ایفا کند. این نوع دولت‌ها به دلیل عدم وابستگی به مالیات‌های مردم، معمولاً پاسخگویی و شفافیت کمتری دارند و قدرت بیشتری در کنترل منابع و اعمال سرکوب سیاسی کسب می‌کنند. با این حال، جامعه مدنی به عنوان موتور محرکه دموکراسی در این دولت‌ها می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. جامعه مدنی با ترویج آگاهی عمومی در مورد حقوق شهروندی، مشکلات اجتماعی و سیاسی و آموزش اصول دموکراسی و عدالت، می‌تواند به مردم کمک کند تا از وضعیت خود آگاه‌تر شوند. این آگاهی می‌تواند به تقویت حس مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی منجر شود و مردم را ترغیب کند که خواستار پاسخگویی و شفافیت بیشتری از سوی دولت شوند (عطار، ۱۳۸۸: ۱۲).

سازمان‌های جامعه مدنی، رسانه‌ها و گروه‌های مستقل می‌توانند با پیگیری و نظارت بر فعالیت‌های دولت، خواستار شفافیت بیشتر در امور مالی و اجرایی شوند. این نهادها می‌توانند افشای موارد فساد و تخلفات مالی را

مورد پیگیری قرار دهند و دولت را وادار به پاسخگویی کنند. این امر به ویژه در دولت های رانتیر اهمیت دارد، زیرا بخش عمده ای از درآمدها خارج از کنترل مستقیم مردم و وابسته به منابع طبیعی است. دولت های رانتیر معمولاً تمایل دارند که بخش عمده ای از ثروت به دست آمده از منابع طبیعی را در دستان گروه های خاص یا نخبگان سیاسی متمرکز کنند. جامعه مدنی می تواند با ترویج عدالت اجتماعی و خواستار بازتوزیع عادلانه منابع، به مقابله با نابرابری های اقتصادی و اجتماعی بپردازد. این نهادها می توانند خواستار سیاست هایی باشند که به سود اکثریت مردم است و نه صرفاً به نفع گروه های خاص قدرت (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸: ۱۰۲).

جامعه مدنی از طریق ایجاد شبکه ها و ائتلاف هایی از گروه های مستقل، می تواند به توسعه و تقویت نهادهای دموکراتیک کمک کند. این نهادها می توانند برای بهبود ساختارها و اصول دموکراتیک در کشورهایی که با سرکوب های سیاسی مواجه هستند، مبارزه کنند. تلاش های جامعه مدنی در دفاع از حقوق بشر، آزادی بیان و آزادی های مدنی، نقش کلیدی در بهبود وضعیت دموکراسی در دولت های رانتیر ایفا می کند. در دولت های رانتیر، جامعه مدنی می تواند به عنوان حامی جنبش های اعتراضی و اجتماعی عمل کند. این جنبش ها غالباً از اعتراضات عمومی به وضعیت موجود شکل می گیرند و مطالباتی همچون عدالت اجتماعی، شفافیت اقتصادی و تغییرات سیاسی دارند. جامعه مدنی با حمایت از این جنبش ها و مطالبات مشروع مردم، می تواند به تقویت نهادهای اجتماعی و افزایش مشارکت عمومی کمک کند (خانیک و خجیر، ۱۳۹۷: ۱۱).

جامعه مدنی می تواند شبکه های بین المللی را برای جلب حمایت جهانی از مطالبات دموکراتیک داخلی فعال کند. ارتباط با سازمان های بین المللی و رسانه های جهانی می تواند باعث افزایش فشار بر دولت های رانتیر شود تا به سمت اصلاحات دموکراتیک حرکت کنند. این شبکه ها همچنین به مردم و فعالان مدنی کمک می کند تا از حمایت بین المللی برای پیشبرد اهداف خود بهره مند شوند (احمدی، ۱۳۸۵: ۴).

۳-۶. دموکراسی سازی در دولت های نفت محور خاورمیانه

در دولت های نفت محور خاورمیانه، ساختار سیاسی و اقتصادی به گونه ای شکل گرفته که منابع طبیعی به ویژه نفت، به جای آنکه بستر توسعه نهادهای دموکراتیک و پاسخ گو باشد، به ابزاری برای تثبیت قدرت دولت های رانتی بدل شده است. این دولت ها با تکیه بر درآمدهای حاصل از صادرات نفت، به شهروندان خود وابسته نیستند و در نتیجه، نیاز چندانی به مشارکت عمومی، مالیات ستانی یا پاسخ گویی ساختاری نمی بینند؛ مسئله ای که در ادبیات علمی به «نفرین منابع» یا «اثر رانتیر» معروف است. در چنین شرایطی، فرآیند دموکراسی سازی نه تنها با موانع سیاسی و فرهنگی، بلکه با ساختارهای اقتصادی ریشه دار مواجه است که خود بازتولیدکننده اقتدارگرایی هستند (تیریلین، کارل، ۱۳۹۳: ۱۲۸).

در این میان، جامعه مدنی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین ابزارهای گذار به دموکراسی، نقش دوگانه و پیچیده‌ای در دولت‌های نفت‌محور ایفا می‌کند. از یک سو، ظرفیت‌های حقوقی و قانونی برای فعالیت مستقل جامعه مدنی در این کشورها غالباً محدود است؛ قوانینی سخت‌گیرانه، نظارت‌های امنیتی و نبود نظام حقوقی حمایت‌گر، مانع از شکل‌گیری نهادهای مستقل می‌شود. از سوی دیگر، تجربه تطبیقی در کشورهای مختلف منطقه نشان می‌دهد که در دوره‌هایی که روزه‌هایی برای مشارکت سیاسی و فضای نسبی برای کنشگری مدنی ایجاد شده است، جامعه مدنی توانسته نقشی مؤثر در ارتقای شفافیت، افزایش مسئولیت‌پذیری دولت و ایجاد مطالبات دموکراتیک ایفا کند. دموکراسی‌سازی در این کشورها مستلزم بازتعریف رابطه میان دولت، منابع طبیعی و جامعه مدنی است؛ رابطه‌ای که باید از یک چرخه بسته رانتی به سمت سازوکاری پاسخ‌گو و مشارکت‌محور حرکت کند. در این راستا، اصلاحات حقوقی و نهادسازی مبتنی بر شفافیت، حمایت آزادی‌های مدنی، تقویت رسانه‌های مستقل و آموزش حقوق شهروندی، ازجمله پیش‌شرط‌های اساسی برای تحقق تدریجی دموکراسی در دولت‌های نفت‌محور خاورمیانه به شمار می‌آیند.

۷. موانع و فرصت‌های جامعه مدنی برای گسترش مشارکت سیاسی

در کشورهای رانتیر، جامعه مدنی با چالش‌ها و فرصت‌های خاصی در جهت گسترش مشارکت سیاسی و تقویت دموکراسی روبه‌رو است. اتکای این کشورها به درآمدهای حاصل از منابع طبیعی، ساختاری ایجاد می‌کند که در آن دولت‌ها کمتر به مالیات مردم و در نتیجه پاسخگویی به آن‌ها وابسته‌اند. این امر باعث محدود شدن مشارکت مردم و کاهش شفافیت در دولت‌ها می‌شود. با این حال، جامعه مدنی می‌تواند با نقش‌آفرینی مؤثر خود موانع را کاهش دهد و از فرصت‌ها بهره‌برداری کند. در ادامه به بررسی موانع و فرصت‌های جامعه مدنی در این مسیر می‌پردازیم:

۷-۱. موانع جامعه مدنی در گسترش مشارکت سیاسی

اتکا به منابع رانت و کاهش نیاز به پاسخگویی در دولت‌های رانتیر، وابستگی دولت به درآمدهای منابع طبیعی (مانند نفت و گاز) به معنای آن است که درآمدها عمدتاً از خارج تأمین می‌شود و دولت‌ها نیازی به اخذ مالیات از مردم ندارند. این وضعیت باعث کاهش نیاز دولت به پاسخگویی و شفافیت می‌شود و انگیزه‌ی دولت برای تعامل و مشارکت با جامعه مدنی کاهش می‌یابد. این عامل می‌تواند یک مانع جدی برای جامعه مدنی در پیگیری مطالبات مردمی باشد (نوریس، ۲۰۰۱: ۱۸۹). سرکوب و محدودیت‌های سیاسی دولت‌های رانتیر معمولاً برای حفظ کنترل بر منابع و قدرت خود، آزادی‌های مدنی و سیاسی را محدود می‌کنند. در چنین جوامعی، فعالیت‌های مستقل و مطالبه‌گرانه جامعه مدنی با محدودیت‌های جدی از سوی دولت مواجه می‌شود. این محدودیت‌ها شامل

سرکوب، ممنوعیت فعالیت‌ها، فشارهای امنیتی و دستگیری فعالان مدنی می‌شود که مانع مهمی در گسترش مشارکت سیاسی و فعالیت آزاد جامعه مدنی است. محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی در برخی از کشورهای رانتیر، فرهنگ سیاسی جامعه و میزان آگاهی عمومی از حقوق شهروندی پایین است. نبود آگاهی از اصول دموکراسی و عدم اعتماد به نهادهای مدنی باعث می‌شود مردم به‌طور کلی نسبت به فعالیت‌های جامعه مدنی بی‌تفاوت باشند و مشارکت سیاسی را جدی نگیرند. وابستگی اقتصادی جامعه به دولت در بسیاری از دولت‌های رانتیر، مردم از لحاظ اقتصادی به دولت وابسته‌اند؛ زیرا دولت‌ها از طریق درآمدهای رانت، مزایای اجتماعی و اقتصادی را به مردم ارائه می‌دهند. این وابستگی مالی و اقتصادی باعث می‌شود که مردم تمایل کمتری به فعالیت‌های مستقل مدنی و مطالبه‌گری داشته باشند، زیرا ممکن است نگران قطع شدن حمایت‌ها و مزایا از سوی دولت باشند. نبود زیرساخت‌های قوی ندارند و سازمان‌ها و نهادهای جامعه مدنی به اندازه کافی توسعه نیافته‌اند. نبود شبکه‌ها و سازمان‌های محلی فعال، دسترسی به منابع و توانایی سازماندهی مردم را محدود می‌کند و فعالیت جامعه مدنی را تضعیف می‌کند (حریری اکبری، ۱۳۸۰: ۵).

۲-۷. فرصت‌های جامعه مدنی در گسترش مشارکت سیاسی

نقش آگاهی‌بخشی و آموزش جامعه مدنی می‌تواند با ارائه آموزش‌ها و اطلاعات مفید در مورد حقوق شهروندی و اصول دموکراسی، آگاهی عمومی را افزایش دهد. از طریق برنامه‌های آموزشی، کارگاه‌ها و کمپین‌ها، جامعه مدنی می‌تواند به مردم کمک کند تا از حقوق و مسئولیت‌های خود آگاه شوند و به اهمیت مشارکت سیاسی پی ببرند. این امر به جامعه مدنی فرصت می‌دهد تا حس مطالبه‌گری و مسئولیت‌پذیری را در جامعه تقویت کند. افزایش فشارهای بین‌المللی برای دموکراتیزاسیون جامعه مدنی می‌تواند از ارتباطات بین‌المللی و همکاری با سازمان‌های جهانی برای ایجاد فشارهای بین‌المللی بر دولت‌های رانتیر استفاده کند. بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای حقوق بشری از مطالبات دموکراتیک و حقوق مدنی حمایت می‌کنند. این فشارهای بین‌المللی می‌تواند به کاهش محدودیت‌های دولتی و ایجاد فضای بازتر برای فعالیت‌های جامعه مدنی کمک کند (دیرنیا و دیگران، ۱۴۰۲: ۹).

تقویت رسانه‌های مستقل و فضای مجازی با توجه به دسترسی روزافزون به فضای مجازی و رسانه‌های دیجیتال، جامعه مدنی می‌تواند از این فضاها برای آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی استفاده کند. رسانه‌های مستقل و شبکه‌های اجتماعی بستری مناسب برای به اشتراک گذاری اطلاعات و ایجاد گفتگوهای عمومی فراهم می‌کنند. این بسترها به جامعه مدنی فرصت می‌دهد تا محدودیت‌های رسانه‌های دولتی را دور بزند و مستقیماً با مردم ارتباط برقرار

کند. شبکه‌سازی و ائتلاف‌سازی داخلی جامعه مدنی می‌تواند با تشکیل ائتلاف‌ها و شبکه‌های همبستگی داخلی، قدرت خود را در برابر فشارهای دولتی افزایش دهد. این شبکه‌ها می‌توانند از همکاری و حمایت گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی برخوردار شوند و به یک نیروی مؤثر برای گسترش مشارکت سیاسی و ایجاد تغییرات مثبت تبدیل شوند (ولمن و دیگران، ۲۰۰۱: ۳۳۱).

جذب حمایت‌های مالی و فنی از نهادهای بین‌المللی بسیاری از نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های غیرانتفاعی آمادگی دارند تا به جامعه مدنی در کشورهای رانتیر کمک‌های مالی و فنی ارائه دهند. این کمک‌ها می‌تواند شامل حمایت‌های مالی، منابع آموزشی و فناوری‌های ارتباطی باشد که به جامعه مدنی کمک می‌کند فعالیت‌های خود را گسترش داده و به شکلی مؤثرتر در جلب مشارکت مردم عمل کند. جامعه مدنی در دولت‌های رانتیر با چالش‌ها و فرصت‌های خاصی روبه‌رو است. از یک سو، سرکوب، وابستگی اقتصادی مردم به دولت و محدودیت‌های زیرساختی از موانع اصلی هستند که بر سر راه مشارکت سیاسی قرار دارند. اما از سوی دیگر، فرصت‌هایی چون فضای مجازی و حمایت‌های بین‌المللی به جامعه مدنی این امکان را می‌دهد که به گسترش آگاهی سیاسی و تقویت مطالبه‌گری بپردازد. با بهره‌برداری از این فرصت‌ها و تلاش برای غلبه بر موانع، جامعه مدنی می‌تواند در مسیر گسترش دموکراسی و افزایش مشارکت سیاسی در کشورهای رانتیر گام بردارد (احمدی، ۱۳۸۵: ۷).

۸. فساد مسئله اساسی در دموکراتیزاسیون دولت‌های رانتیر

فساد به عنوان یکی از چالش‌های اصلی در دموکراتیزاسیون دولت‌های رانتیر مطرح است. در این کشورها، درآمدهای دولت عمدتاً از منابع طبیعی مانند نفت و گاز تأمین می‌شود و وابستگی به مالیات مردم که معمولاً در دولت‌های دموکراتیک عاملی برای پاسخگویی و شفافیت است، بسیار کم است. این ساختار رانتیر به افزایش فساد و تمرکز قدرت منجر می‌شود که خود مانعی بزرگ بر سر راه دموکراتیزاسیون است. در دولت‌های رانتیر، به دلیل منابع عظیم درآمدی از رانت، نیازی به مالیات‌ستانی از مردم و در نتیجه، پاسخگویی به آنان وجود ندارد. دولت‌هایی که وابسته به درآمدهای خارجی (مانند فروش نفت) هستند، کمتر به شفافیت و ارائه گزارش به مردم نیاز دارند. نبود شفافیت باعث می‌شود که فساد در دستگاه‌های دولتی به راحتی گسترش یابد و مانعی برای دموکراتیزاسیون و نظارت مردمی شود.

درآمدهای سرشار از منابع طبیعی به دولت‌ها این امکان را می‌دهد که قدرت را در دست خود متمرکز کنند و از توزیع آن به نهادهای دموکراتیک، مانند قوه مقننه و قوه قضاییه، جلوگیری کنند. این تمرکز قدرت به تدریج باعث تضعیف نهادهای مستقل و دموکراتیک شده و به فساد ساختاری دامن می‌زند. بدون وجود نهادهای نظارتی قوی و مستقل، دموکراتیزاسیون با چالش‌های جدی مواجه می‌شود. دولت‌های رانتیر با درآمدهای فراوان حاصل از

منابع طبیعی، معمولاً شبکه‌های رانتی و الیگارش‌هایی ایجاد می‌کنند که به واسطه آن‌ها از منافع رانت بهره‌مند می‌شوند. این شبکه‌ها که اغلب شامل نخبگان سیاسی و اقتصادی هستند، به منابع مالی دسترسی ویژه دارند و از نفوذ خود برای حفظ وضعیت موجود استفاده می‌کنند. این شبکه‌های فسادزا و انحصاری به‌عنوان مانعی در برابر دموکراتیزاسیون عمل می‌کنند و اجازه نمی‌دهند که رقابت سیاسی و شفافیت در جامعه شکل بگیرد (دیمیتر و بوستروم، ۲۰۱۳: ۵۶).

فساد در دولت‌های رانتیر معمولاً به افزایش نابرابری اقتصادی و بی‌اعتمادی عمومی نسبت به دولت‌ها منجر می‌شود. مردم احساس می‌کنند که منابع عمومی و درآمدهای ملی تنها در اختیار گروهی خاص قرار گرفته و آن‌ها از منافع آن بی‌بهره هستند. این نابرابری و بی‌اعتمادی می‌تواند به تضعیف پایه‌های دموکراسی و کاهش تمایل مردم به مشارکت در امور سیاسی منجر شود (میرحیدر، ۱۳۹۲: ۲۷). دولت‌های رانتیر برای حفظ سیستم رانتی خود و مقابله با دموکراتیزاسیون، به محدودیت‌های گسترده‌ای بر جامعه مدنی و رسانه‌های آزاد متوسل می‌شوند. جامعه مدنی و رسانه‌ها به‌عنوان نهادهایی که می‌توانند فساد را افشا و بر عملکرد دولت نظارت کنند، تحت فشار قرار می‌گیرند. این فشارها باعث می‌شود که جامعه مدنی و رسانه‌ها نتوانند نقش خود را در شفاف‌سازی و آگاهی‌بخشی به درستی ایفا کنند و فضای عمومی برای نقد و نظارت تضعیف شود. قوه قضاییه در دولت‌های رانتیر ممکن است به دلیل وابستگی به منابع و قدرت دولت، نتواند به صورت مستقل عمل کند. این وابستگی باعث می‌شود که فساد بدون پیگیری و مجازات باقی بماند و نتواند جلوی تخلفات و فسادهای ساختاری را بگیرد. در نتیجه، یکی از ارکان اصلی دموکراسی، یعنی حاکمیت قانون تضعیف می‌شود.

فساد و وابستگی به درآمدهای منابع طبیعی باعث می‌شود که توسعه اقتصادی در این کشورها محدود به همان صنایع استخراجی و رانتی باقی بماند. این وضعیت مانع از تنوع اقتصادی و رشد بخش‌های دیگر اقتصادی، از جمله بخش خصوصی مستقل، می‌شود. در نتیجه، یک اقتصاد رانتی به وجود می‌آید که ازلحاظ ساختاری به نفع نخبگان و وابسته به دولت است و مردم کمتر قادر به استقلال اقتصادی و مشارکت فعال در امور اقتصادی می‌شوند. این وضعیت می‌تواند به کاهش قدرت مردم برای مطالبه‌گری و مشارکت سیاسی منجر شود (حریری اکبری، ۱۳۸۰: ۹).

فساد گسترده در دولت‌های رانتیر باعث می‌شود که نخبگان و حاکمان انگیزه‌ای برای انجام اصلاحات دموکراتیک نداشته باشند. آنان از منابع رانت برای حفظ قدرت و جلوگیری از تغییرات دموکراتیک استفاده می‌کنند. این بی‌انگیزگی در برابر اصلاحات، روند دموکراتیزاسیون را به شدت کند و مانع از تحول در ساختارهای سیاسی و اجتماعی می‌شود. دولت‌های رانتیر اغلب از درآمدهای خود برای تقویت نیروهای نظامی و امنیتی استفاده می‌کنند تا اعتراضات مردمی و هرگونه تلاشی برای دموکراتیزاسیون را سرکوب کنند. این سرکوب‌ها شامل

محدودیت آزادی بیان، جمع‌آوری و حق اعتراض می‌شود. این وضعیت مانع بزرگی برای جامعه مدنی و فعالان حقوق بشر ایجاد می‌کند و فضایی بسته برای پیگیری مطالبات دموکراتیک به وجود می‌آورد (Zhang, 2014: 134).

۹. چالش‌های جامعه مدنی در ایجاد شفافیت و پاسخگویی در دولت‌های رانتیر

در دولت‌های رانتیر، جامعه مدنی با چالش‌های بسیاری در ایجاد شفافیت و پاسخگویی مواجه است. دولت‌های رانتیر به واسطه منابع طبیعی، مانند نفت و گاز به درآمدهای سرشار دست می‌یابند که نیاز آن‌ها به مالیات‌گیری از شهروندان را به حداقل می‌رساند. این امر موجب می‌شود که دولت‌ها کمتر به مردم پاسخگو باشند و امکان شکل‌گیری فساد و ناکارآمدی را فراهم می‌کند. در این شرایط، جامعه مدنی با چالش‌های متعدد برای مطالبه شفافیت و افزایش پاسخگویی روبه‌رو است. در دول رانتیر، به دلیل وابستگی کم به مالیات مردم، دولت‌ها کمتر نیاز دارند تا به شهروندان پاسخگو باشند. درآمدهای عظیم از منابع طبیعی، استقلال اقتصادی بیشتری برای دولت‌ها فراهم می‌کند و این استقلال از جامعه باعث می‌شود که دولت‌ها به ندرت انگیزه‌ای برای شفاف‌سازی عملکرد خود داشته باشند. این امر مانعی جدی برای جامعه مدنی در پیگیری مسائل شفافیت و نظارت بر عملکرد دولت‌هاست (دیرنیا و دیگران، ۱۴۰۲: ۷).

برای حفظ کنترل بر منابع و قدرت، اغلب آزادی‌های مدنی و فعالیت‌های جامعه مدنی را محدود می‌کنند. این محدودیت‌ها به شکل‌های مختلفی از جمله ممنوعیت فعالیت‌ها، سانسور رسانه‌ها، سرکوب اعتراضات و حتی دستگیری و بازداشت فعالان مدنی نمایان می‌شود. این فشارها باعث می‌شود که جامعه مدنی در پیشبرد مطالبات شفافیت و پاسخگویی دچار موانع جدی شود. در بسیاری از دولت‌های رانتیر، مردم برای تأمین نیازهای اقتصادی و اجتماعی خود به دولت وابسته‌اند، زیرا دولت از طریق درآمدهای رانت، مزایای اقتصادی و رفاهی به شهروندان ارائه می‌دهد. این وابستگی اقتصادی باعث می‌شود که مردم تمایل کمتری به مطالبه‌گری و پیوستن به جامعه مدنی برای خواست شفافیت و پاسخگویی داشته باشند، زیرا نگرانی از قطع مزایای دولتی، مانعی بزرگ برای مشارکت در فعالیت‌های مستقل مدنی است (عطار، ۱۳۸۸: ۱۱).

در بسیاری از کشورهای رانتیر، نهادهای جامعه مدنی توسعه‌یافته و مستحکمی وجود ندارند و زیرساخت‌های مدنی برای فعالیت‌های شفافیت‌خواهانه بسیار ضعیف هستند. نبود سازمان‌های مدنی منسجم و شبکه‌های حمایت اجتماعی، توانایی جامعه مدنی را برای پیگیری شفافیت محدود می‌کند و آن‌ها نمی‌توانند به شکلی مؤثر فعالیت کنند. حاکمیت قانون و وجود نهادهای نظارتی مستقل یکی از مهم‌ترین نیازها برای ایجاد شفافیت و پاسخگویی است. در دولت‌های رانتیر، به دلیل ضعف یا وابستگی قوه قضاییه و نهادهای نظارتی به دولت، جامعه

مدنی از پشتیبانی کافی برای پیگیری مطالبات شفافیت خواهانه برخوردار نیست. نبود یک قوه قضایی مستقل و نهادهای نظارتی قوی، توانایی جامعه مدنی را برای پیگیری فساد و تخلفات کاهش می دهد (Scott, 2010: 123).

در دولت های رانتیر، به دلیل نبود شفافیت و ضعف نظام اطلاع رسانی، جامعه مدنی با محدودیت های جدی در دسترسی به اطلاعات دولتی مواجه است. دولت ها به دلیل ترس از افشای فساد و ناکارآمدی، اطلاعات را در دسترس عموم قرار نمی دهند یا آن ها را محدود می کنند. این عدم شفافیت، امکان نظارت و پیگیری توسط جامعه مدنی را به شدت کاهش می دهد و آنان را در دستیابی به اطلاعات اساسی برای فعالیت های نظارتی با مشکل مواجه می کند. شبکه های رانتی و انحصاری که در دولت های رانتیر شکل می گیرند، باعث می شود که گروه های خاصی از مزایای اقتصادی و سیاسی بهره مند شوند و در برابر تغییرات و اصلاحات مقاومت کنند. این شبکه ها به شدت در برابر جامعه مدنی موضع می گیرند و با ابزارهای مختلف، از جمله نفوذ سیاسی و اقتصادی، سعی در جلوگیری از ایجاد شفافیت دارند. این شبکه های انحصاری، فشارهای مختلفی بر جامعه مدنی وارد می کنند و موانع جدی برای پیگیری شفافیت و پاسخگویی ایجاد می کنند (غفارزاده، ۱۴۰۱: ۱۸).

نتیجه گیری

جامعه مدنی در دولت های رانتیر علی رغم چالش های متعدد، نقشی اساسی در تقویت دموکراسی و گسترش مشارکت سیاسی ایفا می کند. ویژگی اصلی دولت های رانتیر، وابستگی به درآمدهای حاصل از منابع طبیعی آن ها را از جلب رضایت مردمی و تقویت مشارکت عمومی بی نیاز کرده و زمینه های تمرکز قدرت، فساد و نبود شفافیت را فراهم می آورد. این ساختارهای غیرپاسخگو، موانع بسیاری برای جامعه مدنی ایجاد می کنند؛ از سرکوب و محدودیت های قانونی تا نظارت شدید و نبود زیرساخت های سازمانی مستقل.

با این وجود، جامعه مدنی می تواند از طریق افزایش آگاهی سیاسی، تشویق به مسئولیت پذیری، تقویت گفت وگوهای اجتماعی و ترویج فرهنگ نظارت مردمی، به عنوان نیرویی مهم در مسیر دموکراتیزاسیون عمل کند. تجربه نشان می دهد که حتی در محیط های محدود کننده، جامعه مدنی می تواند با بهره گیری از ابزارهای مدرن مانند رسانه های اجتماعی و سازماندهی ائتلاف های مدنی به مردم کمک کند تا آگاهی سیاسی و حقوق شهروندی خود را تقویت کنند.

برای تحقق این هدف، تقویت زیرساخت های مدنی، افزایش شفافیت، حمایت از نهادهای نظارتی مستقل و ایجاد بسترهای قانونی و اجتماعی برای فعالیت آزادانه جامعه مدنی ضروری است. حمایت های بین المللی و همکاری با سازمان های خارجی نیز می تواند نقش مهمی در بهبود وضعیت جامعه مدنی در این کشورها داشته باشد. جامعه

مدنی، با وجود تمامی محدودیت‌ها، می‌تواند در بلندمدت بسترهای لازم برای گسترش مشارکت سیاسی و تقویت دموکراسی را فراهم آورد. بنابراین، درک و پشتیبانی از نقش این نهاد در کشورهای رانتیر، نه تنها برای ایجاد شفافیت و پاسخگویی بلکه برای پیشبرد دموکراسی امری ضروری و راهبردی به شمار می‌رود.

این پژوهش کوشید تا تبیین نماید که دولت‌های رانتیر و متکی به اقتصاد تک‌محصولی من جمله نفت که از مهم‌ترین پارادایم‌های این‌گونه دولت‌ها می‌باشد مشکلات عمده‌ای را برای شهروندان در جهت مشارکت سیاسی، از جمله دگرگونی و پراکندگی در قشربندی اجتماعی، تضعیف و نادیده گرفتن ماهیت و چیستی نمایندگی دولت، به تحلیل رفتن جامعه مدنی و کاهش مشارکت‌های مردمی و احزاب سیاسی، کنترل شدید و ایجاد شکاف اجتماعی، ایجاد طبقه جدید در این دولت‌ها، به محاق رفتن دموکراسی و ارزش‌های هنجاری این دولت‌ها و گسترش نظامی‌گری، نادیده گرفته شدن منشورهای حقوق بشری و دیدگاه اندیشمندان در زمینه مشارکت سیاسی به وجود خواهد آورد. کما اینکه در چنین دولت‌هایی به خصوص کشورهای نفت خیز خاورمیانه که رشد و نمویشان را مدیون این مواهب خدادای هستند، به وفور شاهد سرکوب شهروندان و نادیده گرفتن حقوق بنیادین آن‌ها هستیم. از طرفی اقتدارگرایی مفرط در این‌گونه دولت‌ها و وجود سیستم‌های معیوب اقتصادی و مالیات ستانی که به نوعی نشئت گرفته از الگوهای اقتصاد آزاد در جوامع پیشرفته هست در این دولت‌ها دیده نمی‌شود.

به نوعی این دولت‌ها انتظار وابستگی تام شهروندان به سیاست‌های تحمیلی و نگاه از بالا به پایین را دارند که در درازمدت موجب ایجاد اعتراضات و فاصله گرفتن شهروندان از راهبردهای تحمیلی این حاکمیت‌ها خواهند شد و موانعی که در جهت مشارکت سیاسی شهروندان ایجاد خواهند کرد موجب بروز و ظهور دولت‌های تمامیت‌خواه خواهد شد که مجالی برای مشارکت و ترتیب اثر شهروندان در جهت تعیین سرنوشت خویش را نخواهند داد.

منابع

- احمدی، یعقوب (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دموکراسی. تهران: فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی. سرداری، علی (۱۳۹۲). تحلیل میزان مشارکت انتخاباتی در انتخابات ریاست جمهوری ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
- سید امامی، کامران (۱۳۸۶). مشارکت سیاسی دانشجویان، پژوهشنامه علوم سیاسی، تهران: نشر سمت. عبدالحی نژاد، علی و قاسمی نژاد، احمد (۱۳۹۵). رسانه های اجتماعی و مشارکت سیاسی در انتخابات. تهران: فصلنامه مطالعات رسانه های نوین.
- عباسی شوازی، محمدتقی؛ پناهی نسب، صادق و اسماعیل خانی، درنا (۱۴۰۰). «انتخاب عقلانی، کنش سیاسی و رسانه ها: مطالعه رابطه هزینه های سیاسی با مشارکت سیاسی آنلاین و آفلاین دانشجویان»، نشریه جامعه شناسی کاربردی، شماره ۳.
- عطار، سعید (۱۳۸۸). «سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دولت: عناصر دستیابی به توسعه». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۴.
- پرتوی، اصغر؛ طاهری، ابوالقاسم و محمدی، روانبخش (۱۴۰۱). «شبکه های اجتماعی و آینده مشارکت سیاسی». آینده پژوهی ایران، دوره ۷، شماره ۱.
- دیرینیا، علیرضا؛ محبی، داوود و جلیلی، آیت اله (۱۴۰۰). «حق بر مشارکت سیاسی و رأی اجباری، تضاد یا سازگاری». مطالعات حقوقی عمومی، دوره ۵۳، شماره ۱.
- قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۸). حقوق بشر در جهان معاصر. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
- ملکی، علی (۱۳۹۹). «مبانی مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه علمی پژوهشی سیاست متعالیه، دوره ۸، شماره ۳۰.
- مهدی خانی، علیرضا (۱۳۸۰). مروری اجمالی بر توسعه سیاسی اقتصادی، تهران: انتشارات آرون.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰) دموکراسی و سنت های مدنی. ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران: نشر غدیر.
- نظری، سید غنی؛ بشیری گیوی، حسین و جنتی، سعید (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر سیاسی بر مشارکت سیاسی»، تهران: مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۶، شماره ۱.
- خانیک، هادی و خجیر، یوسف (۱۳۹۷). «رسانه های اجتماعی و مشارکت سیاسی؛ فراتحلیل مشارکت سیاسی کاربران رسانه های اجتماعی». فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، دوره ۱۱، شماره ۱.
- تاجیک، محمدرضا و خداخواه آذر، سمیه (۱۳۹۵). «رسانه های اجتماعی مجازی و عرصه سیاست در ایران (بررسی موردی انتخابات دهم ریاست جمهوری و کارناوال های شهری در تهران)». فصلنامه سیاست، دوره ۴۶، شماره ۳.

غفارزاده، احمد (۱۴۰۱). «طبقه جدید ایران در سایه دولت رانتیر»، ششمین کنگره بین‌المللی توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.

چوبینه، عباس و ربیعی، مهرداد (۱۴۰۰) دولت رانتیر و تأثیر آن بر جامعه مدنی. همایش علمی دانشجویی با موضوع: بررسی توسعه در کشورهای جنوب - جهان سوم.

سلطانی، علیرضا (۱۳۹۱). «نفت و فرایند دولت ملت‌سازی در ایران، فصلنامه سیاست»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۲.

کاتوزیان، محمدعلی، (۱۳۹۸). اقتصاد سیاسی ایران. ترجمه: محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، چاپ یازدهم، تهران: نشر مرکز.

تیریلین، کارل (۱۳۹۳). معمای فراوانی: رونق‌های نفتی و دولت‌های نفتی. ترجمه: جعفر خیرخواهان، تهران: نشر قومس، چاپ چهارم.

ترابی‌نژاد، مهدی؛ نجات‌پور، مجید و صادقی، بهروز (۱۳۹۸). «نفت، دولت رانتیر و دموکراسی پس از انقلاب اسلامی». ارائه شده در نخستین همایش بین‌المللی تحولات جدید ایران و جهان.

رابرت دال (۱۴۰۰). چند سالاری: مشارکت و مخالفت. ترجمه: ابراهیم اسکافی، تهران: انتشارات شیرازه.

زارعی، بهادر؛ یزدان‌پناه، کیومرث و موسوی‌شهیدی، سید مهدی (۱۳۹۶). «عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری دولت‌های دیکتاتوری-رانتیر در خلیج فارس». پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۹، شماره ۱.

سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۷). قبیله‌هایی که طبقه می‌شوند، سالنامه اعتماد.

محمدی‌فر، نجات و محجدی، روح‌ا. . . (۱۳۹۱). «نقش دولت نفتی (رانتیر) در شکل‌گیری و ماهیت طبقه متوسط جدید». دوماهنامه چشم‌انداز ایران، شماره ۷۲.

کامروا، مهران (۱۳۸۸). خاورمیانه معاصر تاریخ سیاسی پس از جنگ جهانی اول، تهران: نشر قومس.

References

- Abbasi-Shavazi, Mohammad Taghi, Panahi Nasab, Sadegh, Esmail Khani, Dorna, (2019), Rational Choice, Political Action and the Media: A Study of the Relationship between Political Costs and Students' Online and Offline Political Participation, Journal of Applied Sociology. (In Persian)
- Abdollahi Nejad, Ali, Ghasemi Nejad, Ahmad, (2016), Social Media and Political Participation in Elections, Quarterly Journal of New Media Studies, Tehran. (In Persian)
- Ahmadi, Yaqoub (2006), Social Capital, Civil Society and Democracy. Quarterly Journal of Political-Economic Information, Tehran. (In Persian)
- Attar, Saeed (2009), Social Capital, Civil Society and the State: Elements of Achieving Development. Politics, Journal of the Faculty of Law and Political Science, p. 39. (In Persian).
- Choubineh, Abbas, Rabiei, Mehrdad, (2011) The Rentier State and Its Impact on Civil Society. (In Persian)
- Dabirnia, Alireza, Mohebbi, Davoud, Jalili, Ayatollah, (1400) The Right to Political Participation and Compulsory Voting, Conflict or Compatibility, Quarterly Journal of Legal Studies, University of Tehran Press. (In Persian)

- Gassner, M. I. and Fahrner, C. (2004). *Political Geography*, John Wiley & Sons, Hoboken
- Georgy, D., Johnston, R., Pratt, G., Watts, M. J. & Whatmore, S. (2009), *The Dictionary of Human Geography*, John Wiley & Sons, West Sussex
- Ghafarzadeh, Ahmad, (2012) *Iran's New Class in the Shadow of the Rentier State*, Sixth International Congress on the Development and Promotion of Fundamental Sciences and Technologies. (In Persian)
- Kamravan, Mehran, (2009) *Contemporary Middle East Political History after World War I*, Qoms Publishing, Tehran. (In Persian)
- Katouzian, Mohammad Ali, (2019), *Political Economy of Iran*, translated by Mohammad Reza Nafisi and Kambiz Azizi, 11th edition, Tehran, Markaz Publishing. (In Persian)
- Khaniki, Hadi, Khojir, Yousef, (2018), *Social Media and Political Participation; Meta-Analysis of Political Participation of Social Media Users*, Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities. (In Persian)
- Krister, (2012), *Civic Participation and Political Trust: The Impact of Compulsory Voting*, Representation, Vol. 48, No. 2. London: Routledge.
- Kuus, M. and Agnew, J. (2008), *Theorizing the State Geographically, Sovereignty, Subjectivity and Territoriality*, in Cox, K. R., Low, M., and Robinson
- Maleki, Ali, (2010), *Fundamentals of Political Participation in the Islamic Republic of Iran*, Quarterly Journal of Transcendental Politics. (In Persian)
- Mehdikhani, Alireza, (2001), *A Brief Overview of Political-Economic Development*, Tehran, Aron Press. (In Persian)
- Mohammadi Far, Nejat, Mohjadi, Ruh A. . . , (2012) *The Role of the Oil State (Rentier) in the Formation and Nature of the New Middle Class*, Bimonthly Perspective of Iran, Issue 72, pp. 26-17. (In Persian)
- Nazari, Seyed Ghani, Bashiri Givi, Hossein, Jannati, Saeed, (2013), *Studying the Political Impact on Political Participation*, Journal of Iranian Social Development Studies, Tehran. (In Persian)
- Partovi, Asghar, Taheri, Abolghasem, Mohammadi, Ravanbakhsh, (1401), *Social Networks and the Future of Political Participation*. (In Persian)
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. New York: Simon & Schuster.
- Putnam, Robert, (2001) *Democracy and Civic Traditions*, translated by Mohammad Taghi Delforuz, Tehran, Press Ghadir. (In Persian)
- Qari Seyed Fatemi, Seyed Mohammad, (2009), *Human Rights in the Contemporary World*, Shahr Danesh Legal Studies and Research Institute. (In Persian)
- Robert Dahl (1400) *Multilateralism: Participation and Opposition*, translated by Ebrahim Skafi, Shiraz Publishing, Tehran. (In Persian)
- Sardari, Ali, (2013), *Analysis of Electoral Participation in Iranian Presidential Elections*, Master's Thesis, Tarbiat Modares University (In Persian)
- Saree Qalam, Mahmoud, (2008), *Tribes That Become Class*, Etemad Yearbook. (In Persian)
- Scott, M. (2010). *The New Rules of Marketing and PR: How to Use Social Media, Blogs, News Releases, Online Video, and Viral Marketing to Reach Buyers Directly*, Massachus

- Seyed Emami, Kamran, (2007) Students' Political Participation, Political Science Research Paper, Samat Publishing, Tehran. (In Persian)
- Shipley, C. (2012). Coining the term social 'www. en. wikipedia. org/wiki/Chris_Shipley.
- Soltani, Alireza (2012), Oil and the Process of Nation-State Building in Iran, Politics Quarterly, Journal of the Faculty of Law and Political Science, Volume 42, Issue 2, Summer, 112-95. (In Persian)
- Tajik, Mohammad Reza; Khodakhah Azar, Somayeh, (2016) Virtual Social Media and the Political Arena in Iran (Case Study of the Tenth Presidential Elections and Urban Carnivals in Tehran) Fasdaldnameh Siasat. (In Persian).
- Timothy j. p. ,(1998),The political of market reform in Jordan,Rowman &Little Field,Landon,MD,P. 110
- Tirilin, Karl, (2014), The Puzzle of Abundance: Oil Booms and Oil States, translated by Jafar Khairkhahan, Qoms Publishing, 4th edition. (In Persian).
- Torabinejad, Mehdi, Nejatpour, Majid, Sadeghi, Behrouz (2019) Oil, Rentier State and Democracy after the Islamic Revolution", presented at the First International Conference on New Developments in Iran and the World. (In Persian).
- Wellman, B. & Haase, A & Witte, J & Hampton, K. (2001). Does the internet increase, decrease, or supplement social capital? American Behavioral Scientist
- Zarei, Bahadur, Yazdanpanah Kiomars, Mousavi Shahidi, Seyed Mehdi, (2017) "Factors Affecting the Formation of Dictatorship-Rentaire States in the Persian Gulf" Human Geography Research, Volume 49, Issue 1, pp. 225-203. (In Persian).
- Zhang, X. , & Lin, W. (2014). Political participation in an unlikely place: How individuals engage in politics through social networking sites in China.